فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc96942085)

[مقدمه 2](#_Toc96942086)

[ادله حجیت سیره عقلا 2](#_Toc96942087)

[دلیل اول 2](#_Toc96942088)

[انواع سیره عقلاییه 3](#_Toc96942089)

[مناقشه در دلیل اول 3](#_Toc96942090)

[نکات تکمیلی 3](#_Toc96942091)

[نکته اول 3](#_Toc96942092)

[نکته دوم 4](#_Toc96942093)

[نکته سوم 4](#_Toc96942094)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# مقدمه

بحث در سیره عقلا یا سیره ناس بود و به مقدمات متعددی و نسبتاً طولانی در بحث سیره پرداختیم و دیروز یک ملاحظاتی نسبت به تنظیم ادله در الفائق و از آن هم عبور می‌کنیم.

# ادله حجیت سیره عقلا

## دلیل اول

به وزان قاعده کلُّ ما حکمَ به العقل و حکم به الشرع ما قاعده‌ای در سیره عقلا برسیم با این مضمون که این طور گفته شود که هر چه سیره عقلا بر آن جریان پیدا می‌کند آن را شارع باید عمل، اقدام، تنفیذ و تأیید کند، این جور قاعده‌ای اگر درست شود دیگر برای گرفتن امضاء و تأیید از شارع معطل این که این در دید شارع بود و تأیید کرد یا ردع نکرد و سکوت او حاکی از امضاء نیستیم.

هیچ حالت منتظره‌ای باقی نمی‌ماند برای تأیید و امضای شارع نسبت به این سیره همان‌طور که دیروز ملاحظه کردید ما وقتی می‌توانیم سیره یا هر امری که از دیگران صادر می‌شود به شارع نسبت دهیم که دلیل پیدا کنیم که شارع این را می‌پذیرد.

اما اینکه دلیل برای پذیرش و قبول و تسلُم و امضا و تأیید شارع چیست این طیفی از قرائن و شواهد و ادله می‌باشد.

در دلیل اول شاهد و قرینه‌ای نیست که شارع گفت من قبول دارم، این نیست که شارع بود و دید و نفی و نهی نکرد تا بگوییم سکوت علامت رضاست. و این هم نیست که شارع در جای دیگر حرف‌هایی زده باشد که بالملازمه و التزام می‌گوید این حرف را قبول دارم. این‌جور نیست که در ادله بعدی این‌جوری است بلکه می‌گوییم یک حکم عقل وجود دارد می‌گوید شارع نمی‌تواند از این شانه خالی کند و باید قبول کند در قانون ملازمه و نسبت به عقل عملی و مستقلات عقل عملی این‌طور است. العدل حسنٌ و الظلم قبیحٌ را به شارع نسبت می‌دهیم و می‌گوییم این حکم و انفاض شارع را دارد جعل شارع را هم دارد بدون اینکه نیاز به این باشد که شارع بگوید قبول دارم یا احوال و حالات و شرایط حالیه و قرائن حالیه او بگوید قبول دارم یا به یک دلیل التزامی این را در کلام شارع نسبت بدهیم بدون هیچ چیزی لازم باشد بر مبنای مشهور، همین‌که عقل به طور مسلم داوری انجام داد او یک پیوست دومی دارد می‌گوید حرف‌های من باید حرف شارع هم باشد شارع هم باید این حرف را بگوید.

-تعبیر قشنگی نیست- او تحمیل می‌کند و می‌گوید باید این را بگوید. نمی‌تواند نگوید.

این در احکام عقل مستقله و اخباری‌ها علی‌الاصول قبول نداشتند و اصولیین قبول داشتند و ما هم حالت بینا بین دارد با آن توضیحاتی که گفتیم ولی آنجا یک راهی به جایی می‌برد به وزان آن اینجا هم شاید بگوییم.

# انواع سیره عقلاییه

سیره‌های عقلایی که چند نوع است یک نوع برآمده از عقل مستقل است اگر این باشد که همان حکم عقل مستقل پشتوانه این سیره هم هست که این خیلی مهم نیست اگر سیره بر اساس یک عقل و حکم مستقل عقلی باشد دیگر نیاز به سیره نداریم همان حکم عقل مستقل داریم.

یا این است که برآمده از یک دواعی عقلایی است دواعی که در آن سلایق و عواطف و هیجانات یا آن غرایز و تمایلات غیر عقلایی دخالت ندارد واقعاً طبع سلیم عقلا اقتضاء می‌کند که در مراودات به خبر ثقه اعتماد کنند به قول ذوالید اعتماد کنند اینها هوا و هوسی نیست یک انگیزه‌های عقلایی برای التزام امور دارد اینها به طور غیرمستقیم شاید به احکام عقل هم برسد.

این نوع از سیره‌ها که با چنین ارتکازات عقلایی درآمیخته و ابتنای یک فلسفه و اسرار و حکمت‌های سنجیده‌ای دارد اینها چیز خاصی ندارد و شارع هم باید اینها را قبول کند. و نیاز نیست که ببینیم که در خارج شارع عمل کرد یا نکرد یا چیزی گفت یا در منظر و مرئای شارع هست یا نیست، سیره عقلاییه است.

# مناقشه در دلیل اول

این دلیل اول است که با توجه به بحث‌هایی که در قاعده ملازمه کردیم خیلی متقن نیست علت این است که در خود قاعده ملازمه یک مناقشات و ملاحظات داشتیم آنجا که عقل عملی مستقل ورود کرده است مثل العدل حسنٌ الظلم قبیحٌ گفتیم آنجا هم آن اطلاق و شمول این قاعده و انطباق آن با عین آنکه عقل می‌گوید هم شمول آن و هم انطباق صددرصدی با آنکه عقل می‌گوید در قاعده ملازمه محل تردید است فکیف به اینجا که عقلا در مقام انتظام امورشان و مسائل زندگی‌شان بر اساس یک انگیزه عقلایی این امر را حجت می‌دانند و به این مسئله عمل می‌کنند و به این روش تن می‌دهند، بگوییم حتماً هم شارع ملازمه و حتمیت همیشگی را بپذیریم و بگوییم همیشه و همه جا شارع اینجا همراه است؛ نه، واقعاً شاید یک مصالح و مفاسدی دیده است و یک اموری را واقف و محیط است که عقلا بما هم عقلا، عقلای متعارف عادی و طبیعی بشری به آن دست ندارند و از این جهت راه خود را جدا کردند همان‌طور که در قیاس راه خود را جدا کرده است یک جاهایی شارع راه خود را جدا کرده است درحالی‌که عقلا به طبع عقلایی آن را می‌پذیرند این ملازمه‌ای ندارد. این مناقشه‌ای که در این دلیل اول می‌شود کرد.

# نکات تکمیلی

نکته تکمیلی که حالت اثبات و نفی این قضیه را تغییر می‌دهد این است که این قاعده علی الاطلاق درست نیست ولی به شکل فی‌الجمله ممکن است مصداق داشته باشد

## نکته اول

اولاً این قاعده در انواع سیره‌هایی که داشتیم که غیر عقلایی محض است جاری نیست این قاعده در سیره‌های عقلایی جاری است.

در اینجا هم علی الاطلاق نیست ولی ممکن است در یک جاهایی به اطمینان برسد و عقل انسان به اطمینانی برسد که بدون اینکه اطلاعی از شارع داشته باشد شارع اینجا همراهی بکند. این در جایی است که آن سیره عقلاییه چند شرط دارد یکی اینکه احراز بشود این سیره هیچ داعی و پشتوانه‌ای جزء همان امور عقلایی همراهش نیست این یک شرط است که این شرط ایضاح است شرط احرازی نیست بلکه توضیحی است در حقیقت سیره عقلاییه باشد و محضه باشد هیچ عاملی و انگیزه‌ای از سلایق و امثال آن در آن بروز و ظهور و نفوذی نداشته باشد و کاملاً بر آمده از یک دریافت و رویکرد عقلایی منزه از شوائب دیگر باشد.

## نکته دوم

دوم این که –این هم ایضاحی است- در حقیقت فرازمانی و فرامکانی باشد ولو فرازمانی و فرامکانی به شکل شأنی، یعنی هر عاقلی در این شرایط قرار بگیرد این‌جور می‌فهمد و این‌جور عمل می‌کند این هم قید توضیحی است که در خود موضوع است برای اینکه احراز کنیم عقلایی است باید حالت فرازمانی و فرامکانی داشته باشد، مقطعی نباشد و لااقل فرازمانی و فرامکانی شأنی باشد هر کسی که در این شرایط قرار بگیرد با طبع عادی‌اش این قضاوت را می‌کند.

## نکته سوم

این که احتمال اینکه یک عناصر مزاحمی داشته باشد در آن نگاه‌های عمیق‌تر، ضعیف باشد منتفی نیست ولی ضعیف باشد قول ذوالید را عمل می‌کند خبر واحد و خبر ثقه را عقلا مبنای رفتارها و تعاملاتشان قرار می‌دهند این احتمال این که چیزی در کار باشد و شارع آن را می‌داند و احاطه دارد و نمی‌پسندد به خاطر آن عنوان مزاحمی که در واقع هست شارع زیر بار نمی‌رود این احتمال ضعیف باشد و احتمال قطعی اینجا نیست. ولی احتمال خیلی ضعیف باشد با مجموعه چیزهایی که از شارع می‌داند و اطلاعاتی که دارد یک چیزی در کار باشد او آن را می‌بیند به عنوان مزاحم و آن مانع می‌شود که این‌جور عمل کند و رفتار بکند این احتمال ضعیف بدهد. با این قیود ممکن است برخی از سیره‌های عقلایی –این قیودی که گفتیم و اینجا هم به شکلی اشاره به این سیره‌های عقلایی عامه کرده است. با این قیود بعید نیست کسی بگوید که ما یک فی‌الجمله یک قاعده ملازمه‌ای در سیره‌ها و ارتکازات عقلاییه ثابته مستمره که احتمال وجود یک عنوان مزاحم در آن ضعیف است قائل بشویم که اینجا نیاز به تأیید و امضای آن شکلی که بعد خواهیم گفت نداریم و عقل می‌گوید همین‌جور باید قبول کرد حتماً شارع هم همین را می‌گوید.

علی الاطلاق ملازمه را قبول نداریم هم اصل را و هم انطباق را در احکام عقل عملی، با یک قیودی آن قاعده را قبول داریم که متفاوت هم با اصولی‌هاست و هم با اخباری‌هاست.

اینجا ما یک قاعده فی‌الجمله‌ای را با این قیودی که گفتیم قبول داریم نه مطلق سیرة الناس را می‌شود با این حکم عقل به شارع اسناد داد و نه حتی می‌شود مطلق سیرة العقلا را به شارع اسناد داد بلکه برخی از سیره‌های عقلائیه‌ای که با یک ارتکازات قوی همراه است و خالص از شوائب غیر عقلایی کاملاً و مستمره و دائمی است و احتمال وجود یک مزاحمی ضعیف و پایین شمرده می‌شود با این قیود ممکن است بعضی از سیره‌ها را پذیرفت و بگوییم بدون اینکه شارع چیزی بگوید و دنبال دلیل لفظی و قرائن حالی باشیم این وجود دارد شاید اعتماد به خبر ثقه این‌جور باشد، خبر ثقه با قیود اضافه، خبر ثقه‌ای که ظن به خلاف آن نباشد، یا حتی ظن همراه آن باشد، چیز مزاحمی بدهد و یک چیز دائمی و مستمری هم هست.

اینجا نیاز به این نداریم که امام چه فرمود؟ در مرئا و منظر بود؟ عقل می‌گوید همین است این در حد اطمینان است یک قاعده قطعی نیست یک اطمینان است چون آن عنوان مزاحم را مطمئن است که چیزی نیست.

می‌گوییم اگر شارع هیچ وقت در میان ما نبود و یک وحی آمد و هیچ امام و پیغمبری را بشر اصلاً درک نکرد همیشه در غیبت بودند ولی شرعی تأسیس شد و احکام و قواعدی برای ما فرستادند و دلالاتی نداشت که چه گفت و آن‌ها را که نگفت چیست؟ عقل می‌گوید این که از طبع عقلایی ما برخاست و این که یک چیزی زائد و مزاحمی در شرع باشد این را احتمال ضعیف می‌دهیم پس حتماً شارع هم در تعاملات خود به این اعتماد کرده است.

سه قید را باید احراز کرد که این سیره عقلاییه است شائبه‌ای ندارد و همیشگی شأنی است اگر کسی در آن شرایط قرار بگیرد. و اینکه یک مزاحمی در کار باشد احتمال نمی‌دهیم. این علی‌القاعده او هم در تعاملات و مسائل و ارتباطات این می‌گوید باید همین‌جور عمل کند و این بعید نیست.

این‌چنین سیره و ارتکازی با این سه قیدی و اینکه مزاحم هم احتمالش ضعیف است که چیز خاصی در کار باشد علی‌القاعده آن را پذیرفته است یعنی به عنوان شارع آن را می‌پذیرد.

ولی به عنوان یک قاعده که بگوییم یک قاعده ملازمه‌ای در اینجا هست و اینها مطلق سیره و حتی مطلق سیره عقلاییه بدون این قیود آن حتماً نیست ولی فی‌الجمله با این سه قید اصلی که گفتیم ممکن است یک اطمینانی ایجاد بکند.